

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

کنفرانس تمکین در مصر

رهبران کشورهای خاورمیانه، بار دیگر بی لیاقتی خود را با خوردن توسری از حکام واشنگتن در کنفرانس وزیران کشورهای جهان که از روز ۲۳ نوامبر در شرم الشیخ، واقع در مصر برگزار گشت، به اثبات رساندند. این کنفرانس برای اتمام حجت آمریکا با دیگر کشورهای جهان پیرامون مساله اشغال عراق تشکیل شده بود.

تمامی همسایگان عراق که شامل کویت، عربستان سعودی، سوریه، اردن، ترکیه و ایران می شوند، همچنین بحرین، الجزیره، تونس و اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی، در این کنفرانس شرکت داشتند. کاولین پاول از آمریکا، وزیران خارجه جی-۸، چین، نمایندگان سازمان ملل و اروپا نیز از دیگر شرکت کنندگان بودند.

این گردهمایی مناسبترین فرصت را برای مخالفان جنگ آمریکا علیه عراق ایجاد کرده بود تا به جنگ ناعادلانه ای که دولت بوش علیه مردم عراق براه انداخته است، اعتراض کنند و از آمریکا بخواهند که به اشغال این کشور خاتمه دهد. بویژه آنکه کنفرانس مزبور، درست پس از قتل عام بی پرده و گستاخانه فلوچه برگزار می شد.

اما چه خیال باطلی! هیچیک از این سران دمی بر نیاورند و جملگی به طرز شرم آوری از اعتراض به جنایات آمریکا در این کشور سر باز زدند. زمزمه می پراکنده ای هم که برخی در اثر فشارهای اجتماعی مردم در روز نخست سر داده بودند، روز بعد به سکوت و تن دادن به همگی خواسته های آمریکا بدل گشت. کمال خرازی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی، مانند چند کشور دیگر، بزدلانه تنها به انتقاد نیم بندی قناعت کرد و از "زیاده روی در بمباران شهرها" شکایت کرد. او مقاومت مردم عراق را خشونت خوانده و آنرا محکوم کرد. خرازی، زمان خروج آمریکا را "تا آنجا که مقدر باشد زودتر" خواستار شد و گفت: "اگر تا پایان سال ۲۰۰۵ نشد، حداقل در پایان ۲۰۰۵ باشد." درنهایت، جمهوری اسلامی، سوریه و حامی آنان فرانسه، تنها به محدود بودن زمان اشغال ابراز علاقه مندی کردند. جمله رژیمهای خاورمیانه نیز در قرارداد نهایی به همین روال، در برابر خواسته های آمریکا سر تعظیم فرود آوردند. آنان، با حمایت از

انتخابات آمریکایی ۳۰ ژانویه، مهر تاییدی بر تهاجم و اشغال عراق زدند. تمامی این تصمیمات در حالی اتخاذ گردید که انتخابات در جامعه عراق هنگامی که این کشور هنوز تحت اشغال قرار دارد، غیر قانونی، ساختگی و تقلبی بزرگ خوانده می شود. در این رابطه، تا کنون ۴۷ حزب و جریان سنی، شیعه، مسیحی و غیره اعلام کرده اند که این انتخابات را تحریم خواهند کرد. طبیعی است، هنگامی که آمریکا به برگزاری انتخابات در کشوری پافشاری می کند که نه تنها آن را در اشغال نیروهای مهاجم خود دارد بلکه همزمان نیروهای خود را برای تهاجم و کشتار بیشتر به شهرهای آن (از جمله فلوچه) می فرستد، مردم عراق از تن دادن به این انتخابات ناعادلانه، سر باز خواهند زد.

کاولین پاول به سوریه و اردن که در مراحل اولیه قدمهای سستی برای اعتراض یا بهتر است گفته شود "انتقاد" برداشته بودند، فهماند که کوچکترین انعطافی وجود نخواهد داشت و بهتر است که از وی پیروی شود و گرنه از دندان تیز بیر جنگل در امان نخواهند بود.

یکی از پیشگامان و خود شیرین کنان اصلی که برای کمک به آمریکا زودتر از همه سینه سپر کرد، جمهوری اسلامی بود که اعلام کرد، کنفرانسی از وزیران کشورهای منطقه ای در تهران برگزار خواهد کرد تا خواست آمریکا جهت بسته شدن مرزها به روی "تروریستها" پی گیری شود. خرازی بی صبرانه اعلام آمادگی رژیم اش را برای کمک به آمریکا نه تنها جهت ایجاد امنیت مرزی بلکه، میانجیگری بین آمریکا و مقتدی صدر را اعلام کرد. او پس از اتمام کنفرانس به رسانه های خبری گفت: "ما سعی می کنیم که صدر موضعی ملایم تر در برابر آیت الله سیستانی داشته باشد." رژیم جمهوری اسلامی با این حرکت نشان داد که وقتی پای بده بستان در میان باشد، منافع مردم عراق را مانند منافع مردم ایران برای چانه زنی زیر پا می نهد. این خوش رقصیها هدف نرم کردن آمریکا برای کوتاه آمدن در برابر اهداف اتمی رژیم را هم در بر می گیرد. اما تا آنجا که به آمریکا بر می گردد، منافع اصلی معاملات، نصیب آنکه قلدر تر است می گردد.

کودکان عراقی، سندی برای اعلام جرم علیه آمریکا

دردناکترین و سخت ترین آسیبهایی ناشی از هشت سال جنگ ایران و عراق در سالهای ۸۰ که هر دوطرف دعوا با

سلاحهای آمریکایی تغذیه می شدند، جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱، دوازده سال تحریم اقتصادی و سپس تهاجم و اشغال عراق، نصیب کودکان عراقی گشته است.

هزاران کودک عراقی از گرسنگی رنج برده، در سرعت رشد آنان اختلال ایجاد گشته، به لحاظ روحی تحت دلخراش ترین شرایط قرار گرفته، فاقد بهداشت، درمان و امکان ادامه تحصیل شده اند. بدتر از همه، زندگی آنان روزانه در معرض خطرات ناشی از جنگ قرار گرفته است. روزنامه آمریکایی واشنگتن پست، در این باره می نویسد: "آنچه امروز به عنوان مشکل تغذیه ناکافی در عراق وجود دارد، یک نسل پیش مشکل چاقی بیش از حد بود."

در حال حاضر ۶/۵ میلیون عراقی، وابسته به سهمیه بندی مواد غذایی هستند و این در حالیست که فقیرترها سهمیه خود را با کالاهایی که بیشتر مورد نیازشان است مانند دارو و پوشاک مبادله می کنند.

اقتصاد عراق آنچنان در هم شکسته شده که بیکاری به ۶۰ تا ۷۰ درصد رسیده است. این فقر تحمیل شده، مانع از آن گشته است که خانواده ها از عهده تامین مخارج اولیه کودکانشان بر آیند. کودکان لاغر و تکیده بر تخت بیمارستانها نیمه جان دراز می کشند. انتظار برای یک قوطی شیر خشک که به قیمت ۷ دلار به فروش می رسد، اکثرا بی حاصل می ماند. دستمزد یک کارگر - چنانچه کاری بیاید - روزانه نزدیک به ۴ دلار است و کفاف تامین معاش وی را نمی دهد.

فقدان برق و آب آشامیدنی پاک از دیگر عوامل تغذیه نامناسب کودکان است. آنها حتی نمی توانند آب تصفیه شده را بجوشانند.

سیستم درمان و بهداشت بیش از هر بخش دیگری به سطحی اسفبار رسیده است. بنا به گزارشی از سوی مرکز تحقیقات استراتژیک و بین المللی، سیستم درمان و بهداشت این کشور، از مهیا کردن پایه ای ترین نیازهای مردم ناتوان است.

تاکنون، بیش از ۱۰۰ هزار عراقی جان خود را از دست داده اند که تعداد زیادی از آنها را کودکان تشکیل می دهند. اخیرا نیز ۳۴ کودک در زیر بمباران جان خود را از دست دادند. خانم کارول بلای، دبیر یونیسیف این حادثه را "قتل و عامی بی وجدانانه از عده ای بیگناه" خواند.

از هر ۴ کودک زیر ۵ سال، یک کودک از ضعف تغذیه رنج می برد و از هر ۸ کودک زیر ۵ سال، یک کودک قبل از

رسیدن به سن ۵ سالگی جان خود را از دست می داد. با در نظر گرفتن اینکه نیمی از جمعیت عراق را کودکان زیر ۱۸ سال تشکیل می دهند، این آمارها بسیار بالا هستند. بنا به گزارش اخیر سازمان یونیسیف، تعداد کودکان گرسنه و مرگ و میر در میان آنها پس از شروع جنگ، اکنون دوبرابر شده است. کمبود آب پاک آشامیدنی، کودکان را دچار بیماری اسهال می کند و از هر ۸ کودک مبتلا به این بیماری، ۷ تن جان خود را از دست می دهند.

از هنگام شروع جنگ، ۲۷۰ هزار کودک متولد گشته اند که هیچیک واکسنهای ویژه این سن را نزده اند. آنتی بیوتیک تنها به مقدار محدود یافت می شود از این جهت، عفونت معمولا به مرگ ختم می گردد. بیمارستانها شبها را به خاطر فقدان برق یا لامپ در تاریکی می گذرانند.

در شهرها، کودکان در تماس با مواد منفجره، مینها و دیگر خطرات، کشته و زخمی شده یا جان خود را از دست می دهند. تنها در بغداد ۸۰۰ سایت خطرناک که محتوی بمب و مواد منفجره مازاد مینهای ضد نفر است وجود دارد که سبب مرگ سربازان آمریکایی، مردم و بویژه کودکان می شود.

کودکان عراق از تحصیل هم محروم گشته اند. بیش از ۷۰ درصد مدارس ابتدایی که مورد تهاجم قرار گرفته اند، فاقد آب آشامیدنی هستند. از ماه مارس ۲۰۰۳، زمان شروع جنگ، ۷۰۰ دبستان در اثر بمباران منهدم گشته، ۲۰۰ مدرسه سوخته و وسایل ۲۰۰۰ مدرسه غارت شده است. کار باسازی تعداد اندکی از مدارس، به دلیل فساد مالی و بی توجهی نیمه کاره باقی مانده است.

نزدیک به دو سال پیش بوش و همدستانش با ادعای "آزاد کردن عراق"، سرزمین عراق و مردم ساکن آنرا بمباران کردند. این جنگ تاکنون ۱۲۰ میلیارد دلار برای آمریکا هزینه داشته است و تخمین زده شده که در سال آینده به ۸۰ میلیارد دیگر نیاز خواهد داشت. این در حالی است که تا کنون تنها دو میلیون دلار صرف باسازی گشته است. در ماه گذشته، وزارت خارجه آمریکا اقدام به قطع بودجه باسازی کرد تا آنرا صرف باسازی پلیس و ارتش کند.

پس از گذشت نزدیک به دو سال از خشونت و جنایت امپریالیسم آمریکا در عراق، تنها رنج، فقر و دلشکسته گی است که نصیب مردم عراق گشته است. بیش از نیمی از کسانی که در

بقیه در صفحه ۱۵